

کتاب چگونه شغل دلخواه‌مان را پیدا کنیم

رومن کرزناریک

ترجمه صنوبر رضاخانی

خلاصه شده توسط امین آرامش

aminaramesh.ir



این خلاصه، صرفاً بخش‌هایی منتخب از کتاب است و به هیچ وجه شما را از خواندن کل کتاب بی‌نیاز نخواهد کرد.

عصر رضایت‌مندی

اشتیاق داشتن یک شغل ارضاکننده، شغلی که معنا داشته و تجسم ارزش‌ها، علایق و هویت انسان باشد، پدیده‌ای امروزی است. اگر لغت‌نامهٔ ساموئل جانسون را در که در سال ۱۷۵۵ به چاپ رسیده باز کنید، اصلاً کلمهٔ «رضایت» در آن دیده نمی‌شود.

ما وارد عرص جدید رضایت‌مندی شده‌ایم،

عصری که رویای بزرگ آن از پول فراتر رفتن و به معنا رسیدن است.

در تاریخ، هرگز به این اندازه با عدم رضایت شغلی و بلاتکلیفی برای حل این معضل، روبرو نبوده‌ایم.

امروزه بعید است که صبح از خواب بیدار شویم و هیچ انتخابی جز چهارده ساعت کار در کارخانهٔ پارچه‌باقی یا پنبه‌چینی در مزرعه نداشته باشیم.

سه عنصر ضروری برای رضایت شغلی:

۱- معنا

۲- شادی آزادی

۳- آزادی

تاریخچه‌ای کوتاه از سردرگمی شغلی

افراد معدودی هستند که هنگام تغییر شغل بدون گذراندن ماه‌ها بلکه سال‌ها سردرگمی، راه خود را انتخاب می‌کنند.

در طول تاریخ عموماً افراد انتخاب‌های شغلی چندانی نداشته‌اند.

کار محصول سرنوشت و نیاز بوده است تا انتخاب و آزادی.

افراد اسیر گذشتهٔ خود و انتخاب‌های تحصیلی دوران جوانی خود هستند. ما ردپای شغلی را دنبال می‌کنیم که ریشه‌ای عمیق در تاریخچهٔ شخصی ما دارد و ما را از تجربه‌های ماجراجویانه بازمی‌دارد.

از منظر روانشناسی، این احساس که در حال تلف کردن چیزی هستیم که برای به دست آوردنش تلاش بسیار کرده‌ایم، یکی از بزرگ‌ترین موانع بر سر راه تغییر شغل است.

دو نقد اساسی که بر MBTI وارد است:

- ۱- فاقد مشخصه آماری «اطمینان امتحان مجدد»
- ۲- شبیه‌سازی یک طیف با صفر و یک و خطای زیاد این شبیه‌سازی

معنا دادن به شغل

۵ وجه معنای شغلی:

- ۱- کسب درآمد
- ۲- به دست آوردن مقام
- ۳- ایجاد تغییر
- ۴- پرداختن به علایق
- ۵- به کار بستن استعدادها

دو تای اول بیرونی‌اند و سه تای بعدی درونی.

یکی از بزرگترین دستاوردهای علوم اجتماعی مدرن این است که هیچ رابطه مشخص مستقیمی بین افزایش درآمد و ارتقای سطح شادکامی وجود ندارد.

هر چه شغل‌های بیشتری را تجربه میکنم مطمئن‌تر میشوم که روند منطقی شغل‌یابی، لیست کردن علایق و معادل‌یابی شغلی برای آنها نیست.

اول عمل، بعد فکر

هر یک از ما یک هفته در سال شغلی متفاوت را تجربه کنیم، حتی اگر از شغل خود راضی هستیم. گاهی اوقات تا به دنیایی جدید پا نکذاریم درک نخواهیم کرد که فاقد احساس رضایت مندی هستیم.

سه راه برای تغییر شغلی در حالی که تجربه میکنیم و اول عمل و بعد فکر:

- ۱- مرخصی اساسی
- ۲- پروژه‌های انشعابی
- ۳- تحقیق مصاحبه‌ای

ما محصول ترس اولیه‌ای هستیم که اجدادمان تجربه کرده‌اند.

ما آدم‌ها دو برابر آنچه برد را دوست داریم، از شکست بیزاریم.

همانطور که ممکن نیست از روی کتاب بتوانیم نجار شویم، امکان ندارد بدون تجربه عملی دست به تغییر شغل موفق بزنیم.

آرزوی آزادی

کار کردن برای خودتان شما را شاد میکند. ۴۷ درصد کسانی که شغل آزاد دارند خود را بسیار خوشبخت میدانند در حالی که این عدد برای کارکنان تمام وقت شرکتها ۱۷ درصد است.

کار کردن برای خود هم فوق العاده است و هم ترسناک.

اگر بین امنیت و آزادی دارای حق انتخاب باشیم، من آزادی را توصیه میکنم.

داشتن همه‌چیز با هم به معنای داشتن همزمان همه‌چیز با هم نیست.

خلق رسالت شخصی

یافتن کاری که روح داشته باشد، یکی از بزرگترین آرزوهای عصر ماست.

رسالت شخصی یافتنی نیست، بلکه ساختنی است.

شکی نیست که تغییر شغل در نهایت نوعی خطر کردن است. هر اندازه که خود را برتی آن آماده کنیم، باز هم اقدامی است پر از دودلی‌ها و ناشناخته‌ها.

زندگی را باید با شور و اشتیاق سپری کرد، باید خطر کرد و حال را دریافت. هر کار دیگری جز این، هدر دادن زندگی است.

مطالعه مطلبی مرتبط از وبلاگ امین آرامش:

شغل مناسب من چیست؟